گزارش خبر
NEWSREPORT
کد خبر: ۴۵۲۰۸۶
دوشنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۰ ۱۲:۱۵

مناظره اقتصادی انتخابات با بورس چه کرد؟

اولین دور از مناظرات ریاست‌جمهوری با محوریت موضوعات اقتصادی برگزار شد.

به گزارش خبرنگاران بورس،بانک و بیمه گزارش خبر، گفت‌وگویی که بیش از سه و نیم ساعت به طول انجامید و ۲۱ سوال تخصصی از هفت کاندیدای ریاست‌جمهوری پرسیده شد اما بازار سرمایه و جامعه میلیونی آن جایی در اولین مناظره نداشت. البته نامزدها در صحبت‌های خود جسته و گریخته از بورس نام بردند اما اشاره به بازار سهام و سهامداران در گفت‌وگوی آنها نه «تشریح برنامه‌ها» بلکه «تخریب دیگری» بود.
اما تنها خود بورس نبود که جایی در سوال از نامزدهای ریاست‌جمهوری و البته برنامه‌های اقتصادی آنها نداشت بلکه به مسائل اثرگذار بر بازار سرمایه نیز اشاره‌ای نشد. به عنوان نمونه تحریم‌ها و تاثیری که طی سال‌های اخیر بر عملکرد بنگاه‌های بورسی اعم از شرکت‌های صادرات‌محور یا واردکننده‌ها داشته نیز در این مناظره مغفول ماند. قیمت‌گذاری دستوری و مشکلاتی که برای اقتصاد و تولید ایجاد کرده نیز آنچنان که باید مورد سوال قرار نگرفت. به جای آن بینندگان مناظره بارها درخصوص پرداخت یارانه با مبالغ مختلف به مردم، طعنه زدن به یکدیگر و زیرسوال بردن سواد و تحصیلات دانشگاهی کاندیداها شنیدند.

اگر بخواهیم نگاهی گذرا به معدود صحبت‌هایی که در این مناظره درخصوص بورس شد بیندازیم، محسن رضایی در قسمتی از سخنان خود با بیان اینکه در مساله بورس، دولت راه غیر قانونی را در کسری بودجه خود در پیش گرفت، عنوان کرد: «نرخ سود بانکی را پایین آوردند و نرخ ارز را به غلط ۴۲۰۰ تومان تعیین کردند. این پول به سمت بورس رفت و بدون حساب و کتاب مردم را تشویق کردند در بورس سرمایه‌گذاری کنند، بعد که برای بودجه کشور از این طریق تامین مالی کردند، مردم را در زمین و آسمان رها کردند.» وی اما عنوان نکرد که دولت برای تامین کسری بودجه بهتر بود چه راه دیگری را در پیش بگیرد یا آنکه منظور از رها کردن مردم میان زمین و آسمان چیست؟ آیا دولت باید برای جلوگیری از زیان سهامداران به‌صورت مصنوعی قیمت‌ها را بالا نگه دارد یا سهام را به‌گونه‌ای که سهامدار ضرری نکند از او خریداری کند؟

رضایی همچنین در تشریح برنامه‌های خود از «ایجاد صندوق جبران ضرر مالباختگان بورس» سخن گفت. آیا می‌توان سرمایه‌گذاری که در یک بازار دچار زیان می‌شود را «مالباخته» نامید؟ آیا اگر شخصی در اوج قیمت‌ها خودرویی را خریداری کرده باشد، در صورت کاهش قیمت می‌توانید به وی عنوان «مالباخته» را اطلاق کنید؟ آن نیز بازاری که تضمینی برای سوددهی ندارد و اصل سرمایه که همان سهام موجود در پرتفوی سرمایه‌گذار هست نیز شاید ارزان‌تر شده باشد اما از دست نرفته است.
امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی نیز کاندیدایی بود که البته خودجوش به موضوع بازار سرمایه پرداخت و گفت: «بحث بعدی حل و فصل مساله بورس است، بورس یک مساله حاد و یک مساله ساختاری مزمن دارد، مسائل حاد و مزمن الان در مجلس در حال بررسی شدن است تا اصلاح شود. مساله ساختاری را نیز با سه دستورالعمل در سه چهار روز اول دولت به سمت رشد بهبود بازار سرمایه خواهیم برد.» وی پیش‌تر نیز گفته بود «مشکل بورس را سه روزه حل می‌کنم». اما چگونه می‌توان مشکلات ساختاری ایجاد شده در یک بازار را نه سه‌روزه حتی یک‌ماهه حل کرد؟ به نظر می‌رسد وی یا برنامه‌ای همانند صندوق مالباختگان محسن رضایی دارد یا به دنبال تزریق پول برای رشد مصنوعی قیمت سهام است. پولی که البته از جابه‌جایی از یک جیب مردم به جیب دیگر آنها خواهد بود.
مرغ یا تخم‌مرغ؟
همه این اظهارات نادرست و آدرس دادن‌های غلط تنها در یک چیز خلاصه می‌شود و آن چیزی نیست جز «خطای تشخیص در شناسایی علت و معلول». در ادبیات عامه، چنین رویکردی مشابه داستان قدیمی «مرغ و تخم‌مرغ» است و بعضا افراد در یافتن درست منشأ و نتیجه‌گیری از آن دچار سردرگمی و اشتباه می‌شوند. اگر تنها به بحث درخصوص بازار سهام اکتفا کنیم، حباب، رکود، رویای کسب سود یک شبه از بورس، قفل معاملات، صف‌نشینی‌های بی‌پایان، حرکت‌های گله‌ای و بدون تحلیل، رانت، فساد، تخلفات معاملاتی و غیره و غیره همگی معلول شرایطی هستند که علت آن یک سیستم ناکارآمد اقتصادی و بازاری نابازار است و حل آن در گرو ریشه‌یابی مشکلات است. اما ریشه اصلی خیلی از این ناکارآمدی‌ها نگاه دولتی به بازاری است که ذاتا بر اساس مفاهیم اقتصاد آزاد بنا شده است.
نگاهی که سال‌هاست سهامداران را درگیر خود کرده است. اگر کتاب «ناگفته‌های بورس» را خوانده باشید، علی صالح‌آبادی به عنوان نخستین رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار در بیان خاطرات خود به وضوح غلبه چنین دیدگاهی بر بازار را نشان می‌دهد. وی سال ۸۴ بر کرسی ریاست سازمان بورس تکیه زد. درست زمانی که بازار سهام در حال تخلیه حبابی بود که طی سال‌های ۸۲ و ۸۳ شکل گرفته بود. در این زمان وی برای حل مشکل بازار، دامنه نوسان را به ۲درصد کاهش داد و اصلاحی که می‌توانست در چند روز جمع شود، چند ماهی به درازا کشید؛ اقدامی که در خاطرات صالح‌آبادی از آن به‌عنوان «تدبیری» برای ملایم کردن مسیر کاهشی قیمت‌ها یاد شد. سال‌ها بعد همین دیدگاه به شکلی متفاوت گره بازار سهام را کورتر کرد و به نظر می‌رسد در صورت طی طریق در همین مسیر، باز هم‌چنین تجربیاتی به حافظه سهامداران اضافه خواهد شد. روسایی که برای هر مشکلی راه‌حلی ثابت

یعنی «دخالت در مسیر طبیعی بازار» را برمی‌گزینند و به ناکارآمدی آن می‌افزایند.